

## تأثیر القای خلق بر عملکرد شناختی و رفتاری

تورج هاشمی<sup>۱</sup> PhD، مرتضی عندلیب کورایم<sup>\*</sup> MSc، اصغر پور اسماعلی<sup>۲</sup> MSc، مجتبی صالحی حیدرآباد<sup>۱</sup> MSc

\*باشگاه پژوهشگران جوان، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۱</sup>گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

<sup>۲</sup>باشگاه پژوهشگران جوان، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

### چکیده

**اهداف:** هیجانات مختلف در زندگی روزمره، اثرات متفاوت روی افراد می‌گذارد و هریک از این هیجانات، به گونه‌ای نقش تسهیل‌کننده و یا بازدارنده روی عملکردهای مختلف شناختی و رفتاری دارد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر یکی از هیجانات یعنی خلق، بر عملکرد شناختی و رفتاری دانشجویان دختر و پسر بود.

**روش‌ها:** این مطالعه شبیه‌تجربی در سال ۱۳۸۹ در شهر تبریز انجام شد. ۳۶ دانشجوی دانشگاه تبریز با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در سه گروه ۱۲ نفره با القای خلق مثبت، القای خلق منفی و کنترل قرار گرفتند. در جلسه آزمایش، بعد از القای خلق در سه سطح، داده‌های مربوط به متغیرهای وابسته (عملکرد رفتاری و شناختی) به ترتیب با استفاده از دستگاه کرونوسکوپ و آزمون محقق ساخته (شمارش معکوس اعداد) اندازه‌گیری شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS 16 با روش تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون تعیینی توکی تحلیل شد.

**یافته‌ها:** متغیر جنسیت بر روی عملکرد رفتاری و شناختی تاثیر معنی‌دار نداشت ( $p > 0.05$ ), ولی متغیر خلق هم بر عملکرد شناختی و هم بر عملکرد رفتاری دارای تاثیر معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ). اثر تعاملی جنسیت با خلق روی هیچ یک عملکردهای رفتاری و شناختی معنی‌دار نبود ( $p > 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** خلق القایی، می‌تواند عملکرد افراد را تحت تاثیر قرار دهد. القای خلق منفی بر عملکرد شناختی و رفتاری افراد، اثرات مخرب و القای خلق مثبت دارای اثرات مثبت است و این موضوع در مساله تقدم شناخت و هیجان، حاکی از تقدم هیجان بر شناخت است.

**کلیدواژه‌ها:** خلق، القای خلق، عملکرد شناختی، عملکرد رفتاری

## Effect of inducing mood on cognitive and behavioral performance

Hashemi T.<sup>1</sup> PhD, Andalib Kouraeim M.\* MSc, Pouresmali A.<sup>2</sup> MSc, Salehi Heydarabad M.<sup>1</sup> MSc

\*Young Researchers Club, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>1</sup>Department of Psychology, Faculty of Humanities & Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran

<sup>2</sup>Young Researchers Club, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran

### Abstract

**Aims:** Different daily emotions have different effects on people and each of these emotions play a facilitating or inhibitory role in cognitive and behavioral performances. The aim of this study was investigating the effect of induced mood on male and female students' behavioral and cognitive performance.

**Methods:** This quasi-experimental study was performed in 2010 in Tabriz. 36 students were selected among the students of Tabriz University by available sampling method. Subjects were divided into three 12-subject groups of positive mood induction, negative mood induction and control. After applying the 3 levels of mood induction, measurement of dependent variables (behavioral and cognitive performance) was done by chronoscope and a researcher-made test (numbers countdown). Data were analyzed by SPSS 16 software using ANOVA method and Tukey's post-hoc test.

**Results:** Gender didn't have a significant effect on behavioral and cognitive performance ( $p > 0.05$ ), but the effect of mood was significant on behavioral and cognitive performance ( $p < 0.05$ ). The interactional effect of gender and mood on behavioral and cognitive performance was not significant ( $p > 0.05$ ).

**Conclusion:** Induced mood can affect the individual's performance. Negative mood induction has destructive effects on individuals' behavioral and cognitive performance and positive mood induction has positive effects. This issue shows the priority of emotion to cognition in struggle of cognition and emotion.

**Keywords:** Mood, Induced Mood, Cognitive Performance, Behavioral Performance

**مقدمه**

دروني ناخوشایند است، وقتی عاطفه منفی افراد بالاست، معمولاً احساس می کنند ناخشنود و عصبی و تحریک پذیر هستند، در حالی که وقتی عاطفه منفی افراد پایین است آرام و آرمیده هستند. عاطفه مثبت و منفی نه تنها به خلق بلکه به سیستم‌های گستره شناختی، زیستی و رفتاری هم مربوط می‌شود [۶].

از این رو عاطفه مثبت بیانگر سیستم انگیزشی خوشایندی است که فرآیندهای پاداش در برانگیختگی آن، نقش اساسی ایفا می کنند در حالی که عاطفه منفی بیانگر سیستم انگیزشی آزارنده است که فرآیندهای تنبیهی در برانگیختگی آن نقش دارد. عاطفه مثبت و خلق خوش، به رفتار گرایشی و عاطفه منفی و خلق ناخوش به رفتار اجتماعی کمک می کند [۶]. سیستم عاطفه مثبت مبنی و مسیرهای عصبی دوپامینزیکی دارد و رویدادهای خوشایند، این مسیرها را فعال می کنند، در صورتی که سیستم عاطفه منفی مبنی و مسیرهای عصبی جداگانه دارد و پیامدهای ناخوشایند، مسیرهایی را که ناقل عصبی آنها سروتونین و نورآدنالین هستند، فعال می کند [۸] این یافته‌ها اشاره بر این دارند که عاطفه مثبت و منفی به جای این که اضداد هیجانی یا عصبی باشند شیوه‌های مستقل احساس کردن هستند.

بیان این موضوع توسط افراد دشوار است که توضیح دهنده چرا احساس خوبی دارند. اگر از آنها خواسته شود که در این مورد توضیح ارایه کنند، معمولاً می گویند اوضاع کلاً خوب پیش می‌رود. از سوی دیگر، پژوهشگران خلق اذاعن می کنند که شرایطی که موجب می‌شود که افراد احساس کنند خوب هستند، چنان در ضمیر خودگاه آنها قرار ندارد لذا افراد از علت خلق خوش خود بی خبر هستند [۹]. خلق مثبت باعث می‌شود که افراد به دیگران کمک کنند، بیشتر ریسک کنند، در مورد خودشان و دیگران بخشنده‌تر باشند و در امور تشریک مساعی داشته باشند و کمتر پرخاشگرانه رفتار کنند، مسایل را به صورت خلاقانه حل کنند، در صورت دریافت بازخورد منفی، استقامت کنند، به صورت کارآمدتری تصمیم‌گیری کنند و در فعالیت‌های جالب، انگیزش درونی بیشتری نشان دهند [۱۰].

این که عاطفه مثبت چگونه و چرا به خلاقيت، تصميم‌گيری کارآمد، معاشرتی بودن در روابط بين فردی، استقامت و غيره کمک می کند، آن گونه که ممکن است ابتدا به نظر برسد روشن نیست. عاطفه مثبت خواه خلق باشد یا هیجان، بر فرآيندهای شناختی مانند حافظه، قضاوت، و راهبردهای حل مساله تاثير می گذارد. بنابراین عاطفه مثبت با تاثيرگذاشتن بر محتواي فكر و خاطرات و انتظاراتی که به ذهن فرد می‌رسند، بر محتواي حافظه فعال تاثير می گذارد وقتی افراد احساس خوبی دارند عاطفه مثبت، نقش بازی در بازیابی و یادآوری مطالب اندوخته شده در حافظه ایفا می کند. در نتيجه، افرادی که احساس خوبی دارند، در مقایسه با افرادی که احساس خنثی دارند، به افکار شاد و خاطرات مثبت راحت‌تر دسترسی دارند [۱۱].

خلق ممکن است بالا یا پایین باشد، افراد طيف وسیعی از خلق‌ها را تجربه می کنند که مجموعه‌ای از تجلیات عاطفی را دربر دارد. کسانی

هیجان‌ها انواع مختلفی دارند که از سرخوشی تا تنفس و از وحشت تا ملال گستردگاند [۱]. زیونک معتقد است که هیجان‌ها پدیده‌های درونی هستند که بر انگیزه و رفتار تاثیر دارند و ممکن است مقدم بر شناخت باشند [۲]. داده‌های تجربی نشان داده‌اند که هیجان توسيع ساختارهای زیرین قشر مخ کنترل می‌شود، و بر دامنه‌ای از پردازش‌های شناختی که شامل سوگیری توجه، سوگیری حافظه [۳] و قضاوت و تصميم‌گيری است [۵] تاثير می‌گذارد.

هیجان اندوه در معنای عميق با مساله محرومیت از فرآيندهای لذت‌بخش همراه است. موجودات زنده به طور طبیعی تمايل دارند که به حالت‌های لذت و شادی دست یابند. وقتی چنین احساسی به دلایل مختلفی دچار ناکامی می‌شود احساس محرومیت در فرد به وجود می‌آید. در واقع واکشن اندوه پاسخی به محرومیت از یک نیاز است که فرد احساس می کند نمی تواند بر آن کنترل داشته باشد. موجودات زنده به طور طبیعی تمايل دارند به اهداف لذت‌بخش برسند. انسان و حیوانات به طور طبیعی لذت‌جو هستند، رسیدن به این لذت‌ها آنها را شادمان و خوشحال می کند، عملکردهای او را بالا می برد و موجب انگیختگی بيشتر می‌شود. در چنین حالی نیرو و انرژی بدنی و حتی ذهني در حد بهينه قرار می‌گيرد و عملکردهای فرد را، از فعالیت جنسی گرفته تا فعالیت‌های اجتماعی تحت تاثير قرار می‌دهد. هیجان شادی را معمولاً ثمربخش و نiroدهنده و هدایت کننده داسته‌اند. اغلب افراد تعريباً روزی ۱۰۰۰ دقيقه بيدارند ولی در مقدار کمی از اين زمان، هیجان‌های چون خشم، ترس یا شادی را تجربه می کنند [۶].

انسان معمولی، به طور کلی جریان دایمی از خلق‌ها را تجربه می کند. با اين که هیجان‌ها در تجربه روزمره نادر هستند، ولی افراد همیشه چيزی را احساس می کنند. آنچه انسان‌ها معمولاً احساس می کنند، خلق (Mood) است؛ نوعی احساس که غالب به صورت اثر پسین رويداد هیجانی که قبل از تجربه شده وجود دارد. با اين حال، خلق به صورت عاطفه مثبت یا عاطفه منفی وجود دارد؛ يعني، خلق خوب و خلق بد [۷]. عاطفه مثبت و عاطفه منفی حالت‌های متضاد احساس کردن نیستند، بلکه اين دو خلق، حالت‌های مستقل (و نه متضاد) احساس کردن هستند. برای مثال، افراد هنگام مصاحبه شغلى اذاعن می کنند که به طور همزمان، عاطفه‌های مثبت و منفی را احساس می کنند. آنها معمولاً به طور همزمان احساس علاقه و عصبيت را تجربه می کنند. عاطفه مثبت طبق چرخه خواب- بيداري نوسان می کند، در حالی که عاطفه منفی چنین نیست. سطح عاطفه مثبت هنگام بيدارشدن پايین است و در طول روز به تدریج بالا می‌رود و تا بعد از ظهر به اوج خود می‌رسد و از آن پس در اوخر شب پايین می‌آيد و به سطح پايین اوایل صبح برمی‌گردد [۶].

عاطفه مثبت بیانگر يك تجربه درونی لذت‌بخش است. وقتی عاطفه منفی افراد بالاست، معمولاً احساس مثبت آنها پايین است و معمولاً احساس می کنند خموده و خسته هستند. عاطفه منفی بیانگر تجربه

از آن برای سنجش زمان واکنش و مقایسه افراد استفاده کرد، که زمان واکنش را تا یک‌صدم ثانیه می‌سنجد [۱۲]. این دستگاه شامل دو قسمت است؛ جعبه فرمان که در مقابل آزمایشگر قرار دارد و کلید پاسخ که به دستگاه ضمیمه شده و آزمودنی بهوسیله آن پاسخ می‌دهد. جعبه فرمان شامل کلیدهای ارایه محرك‌های دیداری، شنیداری و صفحه نشانگر زمان واکنش است. در این آزمایش فقط از محرك شنیداری استفاده شد که آزمودنی با شنیدن صدا باید کلید را فشار می‌داد تا صدای ارایه شده قطع می‌شد. همچنین برای سنجش عملکرد شناختی از آزمودنی‌ها خواسته شد تا اعداد را به طور معکوس از ۱۰۰، با فاصله ۷ رقم، شمارش کنند. برای اندازه‌گیری عملکرد شناختی، زمان سپری شده برای شمارش اعداد با استفاده از کرونومتر محاسبه شد. بعد از انتخاب آزمودنی‌ها و کسب رضایت، از آنها خواسته شد در مقابل آزمایشگر قرار بگیرند. برای القای خُلق مثبت و منفی از آنها خواسته شد از هدفون برای شنیدن موسیقی استفاده کنند. برای القای خُلق مثبت از موسیقی شاد و برای القای خُلق منفی از موسیقی غمگین استفاده شد. بعد از القای خُلق از آزمودنی‌ها خواسته شد که در مقابل دستگاه کرونوسکوپ قرار بگیرند و با شنیدن صدای بوق (محرك) دکمه مربوطه را فشار دهند، این مرحله برای سنجش عملکرد رفتاری به انجام رسید. همچنین عملکرد شناختی با شمارش معکوس اعداد سنجیده شد. لازم به ذکر است که ترتیب قرارگرفتن در موقعیت‌های سنجش عملکرد شناختی و رفتاری به صورت تصادفی بود. افراد گروه کنترل (خنثی) همان روش‌های گروه‌های آزمایشی را پیمودند، با این تفاوت که به آنها موسیقی القا نشد.

داده‌ها برای آنالیز به نرم‌افزار SPSS ۱۶ وارد شدند. با توجه به نرمال‌بودن داده‌ها براساس یکسانی واریانس و قراردادشتن متغیرهای مورد مطالعه در مقیاس فاصله‌ای، داده‌های به دست آمده با روش تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تعیین اثر متغیرهای جنسیت، القای خُلق و اثر تعاملی آنها بر متغیرهای عملکرد شناختی و رفتاری از آزمون چندمتغیره لامبای ویلکز و برای تعیین تفاوت گروه‌ها در عملکرد شناختی و رفتاری از تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

## نتایج

میانگین و انحراف‌معیار کل در عملکرد رفتاری به ترتیب  $19/49$  و  $2/18$  و میانگین و انحراف‌معیار کل در عملکرد شناختی به ترتیب  $5/88$  و  $5/44$  و  $16/05$  بود (جدول ۱).

جنسیت و همچنین تاثیر تعاملی جنسیت و خُلق بر عملکرد شناختی و رفتاری تاثیر معنی‌داری نداشتند ( $p > 0.05$ )؛ ولی تاثیر خُلق بر عملکرد شناختی و رفتاری معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ )؛ جدول ۲.

که خُلق بالا دارند، ممکن است حالت انبساط خاطر، پرش افکار، کاهش خواب، اعتماد به نفس کاذب و افکار بزرگ منشانه نشان دهند. در مقابل افرادی که خُلق پایین دارند، نشانه‌های کاهش انرژی و علاقه، احساس گناه، اشکال در تمرکز، بی‌اشتهاای، افکار مرگ و خودکشی را نشان می‌دهند [۱۲].

بنابر نظریه/سکینر (۱۹۵۴) و دیگر رفتارگرایان، رفتار فرد تحت تاثیر عوامل بیرونی همچون شرایط محیطی قرار می‌گیرد [۱۳]. به‌نظر می‌رسد که انگیزه‌های انسان در پاسخ به استفاده و محرومیت از محرك‌های خاص، متفاوت باشد بنابر نظر براون (۱۹۶۱) یکی از محرك‌های انگیزشی که ممکن است موجب افزایش در انگیزه انسان شود اصوات خاص است. ممکن است انواع خاصی از اصوات موجب افزایش عملکرد فرد شوند، در حالی که وجود متغیرهایی در همان نوع اصوات نتایج متضادی دهد. اگر موسیقی به عنوان یکی از انواع اصوات طبقه‌بندی و به عنوان محرك استفاده شود، می‌توان انتظار داشت موسیقی به پاسخ‌های خاصی منجر شود. بنابراین در این پژوهش از موسیقی به عنوان صوتی که بر رفتارهای خاص تاثیر می‌گذارد استفاده شده است.

با توجه به مطالب فوق چنین برمی‌آید که خُلق و عاطفه مثبت و منفی به گونه‌های مختلف در دو جنس بر عملکرد رفتاری و شناختی آدمیان اثر بگذارد. از این‌رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر القای خُلق مثبت و منفی، بر عملکرد شناختی و رفتاری دانشجویان دختر و پسر بود.

## روشن‌ها

پژوهش حاضر از نوع شبه‌تجربی و طرح مورد استفاده در آن از نوع مقایسه گروه‌های ایستاست. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دختر و پسر بین سنین ۱۸ تا ۲۷ سال شاغل به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ دانشگاه تبریز بودند که از میان آنها ۳۶ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند و در ۳ گروه مجزا قرار گرفتند. در هر گروه، ۶ پسر و ۶ دختر گنجانده شد. به ۱۲ نفر از آزمودنی‌ها، خُلق مثبت و ۱۲ نفر دیگر، خُلق منفی القا شد؛ به ۱۲ نفر گروه کنترل هیچ خُلقی القا نشد. به‌منظور کنترل خُلق آزمودنی‌ها قبل از آزمایش از آزمون افسردگی بک (BDI) استفاده شد و افرادی که طبق این پرسشنامه افسرده تلقی نمی‌شدند به مطالعه وارد شدند.

برای انجام پژوهش در ابتدا ۵ موسیقی شاد و ۵ موسیقی غمگین انتخاب شد (هر موسیقی حدوداً ۵ دقیقه بود)؛ سپس طبق نظرسنجی از ۲۰ دانشجو، موسیقی‌ها روی طیفی از شاذترین تا غمگین‌ترین طبقه‌بندی شدند. در نهایت، ۲ قطعه اول طیف (شاذترین) و ۲ قطعه آخر طیف (غمگین‌ترین) برای القا به دو گروه آزمایشی انتخاب شدند. به منظور سنجش عملکرد رفتاری از کرونوسکوپ (روان‌آرما، ایران) استفاده شد. این دستگاه به‌وسیله درسونو/ابداع شده و مک‌کین کنترل

**جدول ۱)** شاخص‌های توصیفی عملکرد شناختی و رفتاری گروه‌های مورد مطالعه

		شاخص ← تفاوت انتحراف معیار سطح معنی‌داری		شاخص ↓ عملکرد↓ میانگین‌ها	
۰/۷۰	۵/۹۶	-۴/۷۷	۴/۷۷	مثبت/اختنی	
۰/۰۳	۵/۹۶	-۱۶/۳۹	۱۶/۳۹	مثبت/امنی	شناختی
۰/۱۴	۵/۹۶	-۱۱/۶۲	۱۱/۶۲	اختنی/امنی	
۰/۰۱	۰/۷۷	-۲/۵۴	۲/۵۴	مثبت/اختنی	رفتاری
۰/۰۱	۰/۷۷	-۲/۷۵	۲/۷۵	مثبت/امنی	
۰/۹۶	۰/۷۷	-۰/۲۱	۰/۲۱	اختنی/امنی	

### بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که القای خلق مثبت و منفی بر عملکرد شناختی و رفتاری تاثیر دارد. فریدریکسون معتقد است که یکی از راههایی که احساسات می‌توانند رفتار و پردازش اطلاعات را هدایت کنند از طریق گرایشات عملی و فکری است [۱۴]. خلق و سیستم پردازش اطلاعات در ارتباط هستند و هیجانات می‌توانند بر توجه، یادگیری و حافظه تاثیر بگذارند. هیجانات مثبت دارای مزایایی هستند، آنها امید به زندگی را افزایش می‌دهند و منجر به سلامتی و بهزیستی می‌شوند [۱۵]. هیجانات مثبت اثرات تشویق کننده دارند، می‌توانند عمل و تفکر را وسیع تر سازند و منجر به وسعت راههای تفکر خلاق منجر شوند.

اشکنازی، هارتل و داوس [۱۷] تاثیر عواطف مثبت و منفی را بررسی کردند. آنها دریافتند خلق خوب با خلاقیت بیشتر، رضایت شغلی بالاتر، ترک شغل کمتر، عملکرد زمینه‌ای بیشتر و عملکرد شغلی بهتر همراه است و همچنین عواطف با رفتار شلی تخریب کننده نیز ارتباط دارد به طوری که عواطف مثبت سطح این رفتارهای آسیب‌زا را کاهش می‌دهد و عواطف منفی به افزایش این رفتارها می‌انجامد. خلق مثبت در این پژوهش موجب بالارفتن میزان توجه، حافظه و انگیزش در فرد شده که این موارد نیز به نوبه خود عملکرد فرد را به ویژه در حیطه رفتاری افزایش داده است.

آدلر، ایریش و مک‌لائلین [۱۸] گزارش کردند که در بیماران افسرده، عملکرد، تکالیف ذهنی و بین شخصی، بازده مدیریت زمان و کارهای فیزیکی و جسمانی کاهش می‌یابد.

نتیجه این پژوهش تا حدودی به روش‌نمودن مساله تقدم هیجان بر شناخت کمک می‌کند. بک [۲] و سایر نظریه‌پردازان شناختی، عاطفه را امری پس‌شناختی می‌دانند و ماهیت پاسخ عاطفی را وابسته به ارزیابی شناختی فرد از رویداد و محرك می‌دانند. از طرفی برخی نظریه‌پردازان مانند زیبونک [۲]، پاسخ عاطفی را مقدم بر بعد شناختی آن می‌دانند. که در این پژوهش القای خلق، شناخت و عملکرد را تحت تاثیر قرار داد که از نظریه زیبونک حمایت می‌کند.

		پسر		دختر		کل	
↓ عملکرد/گروه		↑ میانگین معیار		↓ میانگین معیار		↑ انحراف میانگین معیار	
۲/۲۵	۱۷/۷۳	۲/۰۴	۱۷/۴۷	۲/۶۱	۱۷/۹۷	۲/۱۸	۱۹/۴۹
۱/۱۷	۲۰/۲۷	۱/۲۸	۲۰/۲۷	۱/۱۷	۲۰/۲۶	۱/۸۹	۲۰/۴۷
۱۲/۵۹	۴۶/۸۲	۱۱/۱۶	۱۵/۵۰	۱۳/۱۰	۴۲/۱۵	۱۵/۵۴	۵۱/۵۹
۱۷/۴۷	۶۳/۲۱	۱۶/۲۸	۷۲/۷۶	۳/۶۹	۲۵/۶۶	۱۶/۴۴	۵۳/۸۸
کل	کل	کل	کل	کل	کل	کل	کل

**جدول ۲)** تحلیل واریانس دوطرفه اثرات جنسیت و القای خلق بر عملکرد شناختی و رفتاری (آزمون لامبایدی و بلکز)

		سطح ↓ معنی‌داری		شاخص ← سطح ↓ معنی‌داری	
۰/۱۶۶	۱/۹۰	۲۹	۲	جنسیت	جنسیت
۰/۰۰۲	۴/۷۵	۵۸	۴	خلق	خلق
۰/۵۶۸	۰/۷۴	۵۸	۴	جنسیت×خلق	جنسیت×خلق

با توجه به نتایج جدول ۳، جنسیت و عامل تعامل جنسیت و خلق بر عملکرد رفتاری و شناختی تاثیر معنی‌داری نداشت و تاثیر خلق بر عملکرد شناختی و رفتاری معنی‌دار بود.

**جدول ۳)** تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات جنسیت و خلق بر عملکرد رفتاری و شناختی

		مجموع درجه میانگین F		سطح متغیر ↓ مجذورات آزادی مجذورات معنی‌داری	
رفتاری	۰/۲۱۹	۰/۰۶۲	۰/۸۰	جنسیت	جنسیت
شناختی	۸۳/۷/۱۳	۳/۹۲	۰/۰۵۷	رفتاری	خلق
رفتاری	۲۸/۰۸	۷/۸۹	۰/۰۰۲	شناختی	شناختی
۱۷۰/۶/۱۹	۸۳/۵/۰۹	۳/۹۹	۰/۰۲۹	رفتاری	جنسیت/خلق
۳/۳۴	۱/۶۷	۰/۴۶	۰/۶۳۰	شناختی	شناختی
۵۲۰/۲۶	۲۶۰/۱۳	۱/۲۲	۰/۳۱۰	۱/۲۲	۰/۳۱۰

در عملکرد شناختی تفاوت بین گروه خلق مثبت و منفی معنی دار ( $p < 0.05$ ) و زمان پاسخ در گروه خلق مثبت کمتر بود. همچنین در عملکرد شناختی بین گروههای خلق مثبت و ختنی و همچنین بین گروههای خلق ختنی و منفی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در عملکرد رفتاری، تفاوت بین گروه خلق مثبت با گروه خلق ختنی و گروه خلق منفی معنی‌دار ( $p < 0.05$ ) و زمان واکنش در گروه خلق مشبت کمتر بود. در این عملکرد بین گروه خلق ختنی و منفی تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد (جدول ۴).

- 105 judgments. Eur J Soc Psychol. 1994;24(1):101-15.
- 6- Watson D, Clark LA. Extraversion and its positive emotional core. In: Hogan R, Johnson J, Briggs S, editors. Handbook of personality psychology. San Diego: Academic Publication; 1997.
- 7- Davidson Richard J. Seven sins in the study of emotion: Correctives from affective neuroscience. Brain and Cogn. 2003;52(1):129-32.
- 8- Ashby FG, Isen AM, Turken UA. Neuropsychological theory of positive affect and its influence on cognition. Psychol Rev. 1999;106(3):529-50.
- 9- Isen AM. Positive affect and decision making. In: Lewis M, Havilin J, editors. Handbook of emotion. New York: Guilford; 1993.
- 10- Isen AM. Positive affect. In: Dalgleish T, Power MJ, editors. Handbook of cognition and emotion. United State: John Wiley and Sons; 1999.
- 11- Kring AM, Davison GC, Neale JM, Johnson SL. Abnormal psychology. Shamsipour H, translator. Tehran: Arjmand Publication; 2007. [Persian]
- 12- Iravani M. Experimental psychology. Tehran: Payam Avarane Kelk Azad Publication; 2004. [Persian]
- 13- Pierce WD, Epling WD. Behavior analysis and learning. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall Incorporated; 1999.
- 14- Frederiksen BL. The role of positive emotions in positive psychology. Am Psychol. 2001;56(3):218-26.
- 15- Nolen-Hoeksema S, Morrow J, Fredrickson BL. Response style and the duration of episodes of depressed mood. Abnorm Psychol. 1993;102(1):20-8.
- 16- Wason PC, Johnson-Laird PN. Psychology of reasoning: Structure and content. Londen: Batsford Publication; 2002.
- 17- Ashkanasy NM, Hartel CEJ, Daus CS. Diversity and emotion: The new frontiers in organizational behavior research. J Manag. 2002;28(3):307-38.
- 18- Adler DA, Irish J, McLaughlin TJ. The work impact of dysthymia in a primary care population. Gen Hosp Psychiatry. 2004;26(4):269-76.
- 19- Clarck DA, Beck AT, Alford BA. Scientific foundations of cognitive theory of depression. United State: John Wiley and Sons; 1999.
- 20- Gil KM, Crason JW, Porter LS, Scipio C, Bediako SM, Orringer E. Daily mood and stress predict pain, health care use and work activity in African-American adults with sickle-cell disease. Health psychol. 2004;23(3):267-74.

اعتقاد بر این است که فرد نه تنها یک ذهن بلکه دارای چندین ذهن است که با تغییر شرایط، یک ذهن موقعیتی جای خود را به ذهن موقعیتی دیگر می‌دهد، به‌گونه‌ای که فرد به گستره‌ای از ذهن‌های گوناگون وارد و از آن‌ها خارج می‌شود. زمانی که فرد در حالت هیجانی است معمولاً به حادثی بیشتر توجه می‌کند که با خُلق او همخوانی دارد. در نتیجه، افراد مطالب و وقایع همخوان با خُلق خود را بیشتر از مطالب ناهمخوان یاد می‌گیرند [۱۹]. یکی از مسایلی که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است، بحث اهمیت مساله شاذبیستن در دنیای سرشار از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها است. تحقیقات نشان داده است که القای خُلق مثبت می‌تواند اثرات منفی هیجان‌های منفی پیشین را کاهش دهد [۲۰].

### نتیجه‌گیری

القای خُلق منفی بر عملکرد شناختی و رفتاری افراد اثرات مخرب و القای خُلق مثبت دارای اثرات مثبت است. بنابراین باستی سعی شود تا شرایط ایجاد‌کننده خُلق منفی کاهش یابد و در مقابل اقداماتی برای افزایش خُلق مثبت در محیط‌های مختلف آموزشی، شغلی، ورزشی و غیره انجام گیرد.

### منابع

- Pervin LA. The science of personality. United State: John Wiley and Sons; 1996.
- Bervin K. Cognitive bases of clinical psychology. Alilu MM, Bakhtshipour Roodsari A, Sabouri Moghaddam H, translators. Tabriz: Ravanpouya Publication; 2007. [Persian]
- Wells A, Mathews G. Attention and emotion: A clinical perspective. Hove: Erlbaum; 1994.
- Williams JMG, Watts FN, Macleod C, Mathews A. Cognitive psychology and emotional disorders. Chi Chester: John Wiley and Sons; 1988.
- Clore GL, Parrott WG. Cognitive feeling and metacognitive